

نقش بیمه در ساختار اقتصادی کشورها

از: آیت کریمی

قانون بازدهی نزولی سرمایه

قانون بازدهی نزولی سرمایه معلوم نشده است که این قانون صد درصد درست عمل کند. زیرا ثابت شده است در کشورهایی که بازار اقتصادی مدرن دارند در درازمدت بازدهی سرمایه نه تنها نزولی نبوده بلکه در حال افزایش و رشد نیز هست که این عمل یکی از اهداف اولیه اقتصادی دنیای مدرن امروزی است و اهداف دیگر در درجه بعدی اهمیت قرار دارند. حرکت عمده در جهت نیل به اهداف اولیه آنست که سرمایه‌گذاری را از منطقه و محل قدیمی که میزان بازدهی تولید آنها بسرعت در حال کاهش است به منطقه و محل جدید با ظرفیت و امکانات تولیدی بیشتر و بالاتر سوق داده شود در دنیای اقتصادی آزاد کنونی نه تنها میزان بهره‌وری و بازدهی تولید سرمایه را می‌توان ثابت نگهداشت بلکه احتمال افزایش نیز وجود دارد.

انواع سرمایه

سرمایه چیست؟ در مورد سرمایه تعریف و تفسیرهای متعددی وجود دارد که مهمترین آنها به مفهوم سرمایه نیروی انسانی است که به دانش، هوش، ذکاوت و مدیریت نیروی انسانی تکیه می‌نماید. آمار و اطلاعاتی که در دسترس است نشان میدهد که ۳۰ درصد رشد و توسعه اقتصادی ناشی از سرمایه‌های مالی و کالاها می‌باشد و ۷۰ درصد بقیه ناشی از سرمایه منابع مختلف نیروی انسانی و میزان دانش و هوش و درایت و مدیریت اوست.

در حال حاضر صنعت بیمه یکی از ابتکاری‌ترین حرفه در اقتصاد دنیا است. جامعه جهانی در قرن حاضر جامعه تشکیلاتی است. تشکیلاتی برای مشاغل اجتماعی و خدماتی. اینگونه تشکیلات بر اساس اصول مدیریت و رهبری طراحی شده و بدست مدیران حرفه‌ای و باتجربه اداره می‌شوند. اولین وظیفه هر مدیر در تکنولوژی دنیای امروز سازماندهی و ایجاد تشکیلات است. نتیجه فعالیت در خارج از سازمان نهفته است و در درون تشکیلات تنها هزینه وجود دارد. تجارت و بازرگانی بطور مطلق در کنترل بازار است که حتی قویترین شرکتها و سازمانها را وادار می‌کند که وضعیت فعالیت خود را با فعل و انفعالات بازار و خارج از تشکیلات درون خود هماهنگ نمایند.

برای فعالیت در جوامع امروزی نظم و ترتیب خاصی بر نظام بازار جهانی حاکم است که هر تولیدکننده اعم از تولیدکننده صنعتی و خدماتی را وادار می‌کند که چگونه روند تولید و فعالیت اقتصادی خود را شکل داده و در چه جهتی هدایت نماید. هنر این نظم و ترتیب در حال تکوین اجبار به ایجاد سازمان و تشکیلات متناسب با نیاز بازار برای تولید و اخذ نتیجه مثبت حاصل از فعالیت است. بافت تشکیلاتی جامعه در حال تغییر بوده الگوهای مصرف مرتباً در حال دگرگونی‌اند. در اینگونه جوامع پیچیده شرکتها و مؤسسات جدید با مشکلات حادی که ناشی از رقابت شدید حاکم بر بازار است روبرو می‌باشند.

نقش بیمه

کرد .

مدیریت مالی

برای انجام تعهدات خود، شرکتهای بیمه نیاز به قدرت مالی کافی دارند که در صورت وقوع خطرات بزرگ و فاجعه آمیز و هرگونه تعهدات دیگری که تضمین نموده اند منابع مالی کافی برای پرداخت داشته باشند بنابراین باید سرمایه و ذخایر کافی برای چنین مواقع حساس و بحرانی پیش بینی شود. حق بیمه‌ای که بنام حق بیمه ریسک نامیده میشود برای انجام تعهدات است در اینجاست که نقش و وظیفه اصلی مدیریت مؤسسات بیمه ظاهر می‌شود. مدیریت باید دارای آنچنان توان و قدرت برنامه‌ریزی باشد که بتواند ضمن کنترل هزینه‌ها و ایجاد بهترین سیستم توزیع، ذخایر و حق بیمه‌های خود را در جهت صحیح و سالم اقتصادی و تولیدی بکار اندازد.

کنترل هزینه‌ها کار بسیار مهمی است در حقیقت می‌توان گفت که از مهمترین وظایف مدیریت بشمار می‌آید. کنترل عوامل هزینه‌های درونی و بیرونی سازمان مستقیماً بر روی حق بیمه‌های ریسک که منبع اجرای تعهدات بیمه‌گر می‌باشد اثر می‌گذارد.

دومین وظیفه مهم شرکتهای بیمه سرمایه‌گذاری منابع مالی خود اعم از سرمایه و ذخایر می‌باشد که باید آنرا در یک فعالیت تولیدی و اقتصادی قابل اطمینان بکار اندازند که میزان بازدهی آنها موجب تقویت بنیه و قدرت مالی شرکت شود تا بتوانند براحتی تعهدات خود را اجرا کنند. کار بیمه‌ها مشابه همان کاری است که بانکها انجام می‌دهند یعنی از یک طرف سپرده‌های مردم را دریافت می‌دارند و نسبت به آن سود سرمایه‌گذاری می‌پردازند و از طرف دیگر سپرده‌های جمع‌آوری شده را سرمایه‌گذاری می‌نمایند که بتوانند ضمن پرداخت سهم صاحب سپرده از سرمایه‌گذاری و جبران هزینه‌های عمومی بانک سودی نیز نصیب صاحب سهم بنمایند. مؤسسات بیمه بعضاً

مهمترین نقش نیروی انسانی در صنعت ما یعنی صنعت بیمه تجلی پیدا می‌کند صنعتی که مدیریت و دانش نیروی انسانی رل اصلی را در آن که کلید اقتصاد دنیا نام گرفته است دارد. هیچ‌گونه طرح و برنامه سرمایه‌گذاری بدون بیمه امکان ندارد هیچ کارخانه‌ای، تولیدکننده‌ای مؤسسه حمل و نقلی، مقاطعه‌کاری، بدون وجود بیمه نمی‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد. هیچ وام‌دهنده‌ای بدون تضمین بیمه‌ای حاضر نیست سرمایه در اختیار افراد و سازمانهای سرمایه‌گذار قرار دهد. هیچ تولیدکننده‌ای بدون اینکه کارکنان و پرسنل او در مقابل انواع مختلف حوادث ناشی از کار و مسئولیت کارفرما پوشش داشته باشند حاضر به تولید نیست بنابراین متوجه می‌شویم که بیمه اضطراب و نگرانی افراد و مؤسسات سرمایه‌گذار و مؤسسات تولیدی را در مقابل حوادث احتمالی که ممکن است جان و اموال آنها را تهدید نماید برطرف کند. وظیفه اصلی بیمه‌گر دادن تأمین به هر دو طرف اعم از تجارت و سرمایه افراد بوده و ادامه فعالیت آنها را بطور معمول، عادی و بدون داشتن دغدغه خاطر از عواقب حوادث احتمالی آینده تضمین می‌نماید.

وظیفه اصلی و ضروری بیمه این نیست که خسارات آتش سوزی را پرداخت کرده غرامت از کار افتادگی ناشی از کار را متعهد شده و یا براساس آراء دادگاه خسارات و غرامات را بپردازد بلکه علاوه بر موارد فوق الذکر وظیفه بیمه تأمین قول و اطمینانی است که به بیمه‌گذار در مقابل احتمال تحقق خطر بیمه شده می‌دهد که در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت و غرامت او را از لحاظ شرایط مالی در وضعیت لحظه قبل از حادثه قرار دهد. با داشتن چنین اطمینانی است که افراد و مؤسسات تجاری و بازرگانی می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند. صنعت بیمه ما بر این اعتماد و اطمینان استوار است که در صورت تحقق خطر مؤسسات بیمه به تعهدات خود عمل خواهند

زیاد باشد .

دنیای رقابت

دنیای کنونی دنیای رقابتهاست و در بازارهای رقابتی تنها شرکتهایی موفقاند که نهایت سعی و تلاش خود را در ارائه خدمات بهتر به بیمهگذاران بکنند و در مقابل آن از طرق مناسب حق بیمه بیشتری دریافت کنند و درآمد شرکت را از طریق سرمایه‌گذاری منابع مالی خود افزایش دهند . مؤسسات بیمه جزو مؤسسات مالی بشمار می‌آیند لذا باید نهایت تلاش آنها در جهت توسعه و پیشرفت شرکت از دو جهت فنی و سرمایه‌گذاری که قبلاً "به آنها اشاره رفت باشد . مؤسسه و شرکتی می‌تواند از فعالیت حرفه‌ای خود رضایت مطلوب را کسب نماید که توأماً " هر دو وظیفه اصلی خود را بنحو احسن دنبال کند . البته باید توجه داشت فعالیت و سرمایه‌گذاری شرکتهای بیمه باید در چهارچوب طرح کلان اقتصادی کشور مورد نظر و در مسیر اهداف اصلی سیاستهای اقتصادی آن باشد . صنعت بیمه بخصوص در کشورهای در حال توسعه نمی‌تواند در زمینه‌هایی سرمایه‌گذاری نماید که در پایان ، نتیجه آن تضعیف و تخریب سیاستهای کلی اقتصادی باشد مثل فعالیتهای واسطه‌ای و تورم‌زا ، در اغلب کشورهای دنیا مقررات ویژه‌ای برای سرمایه‌گذاری مؤسسات بیمه وجود دارد . که سازمانهای نظارتی نیز آنرا کنترل مینمایند .

جامعه بیمه‌گذاران اعم از اینکه اشخاص حقیقی باشند یا حقوقی بخوبی از جایگاه شرکتهای بیمه مورد نظر در بازار صنعت بیمه آگاه بوده و قدرت و وضعیت فعالیت شرکت را بطور مداوم ارزیابی می‌کنند . این ارزیابی جامعه بیمه‌گذاران باید شرکت بیمه را وادار نماید که نهایت سعی خود را در ارائه هرچه بهتر خدمات بکار گیرد . از این ارزیابی می‌توان کفایت و عدم کفایت فعالیت مؤسسات را استنباط نمود . شرکتی که تأمین بیمه‌ای بهتری را به بیمه‌گذاران

این وظیفه را فراموش می‌نمایند و وظیفه خود را فقط در صدور و پرداخت خسارت یعنی عملیات فنی خلاصه می‌کنند در صورتیکه این عمل تنها بخشی از وظایف یک شرکت بیمه است و بخش دیگر آن سرمایه‌گذاری و مدیریت صحیح مالی است که بهمان میزان از درجه اهمیت و ویژه‌ای برخوردار است .

امور فنی و سرمایه‌گذاری دو عنصر بسیار مهم فعالیت در مؤسسات بیمه است و غفلت از آنها برنامه - ریزی مناسب در این امر باعث افزایش هزینه‌های بیمه‌گر و در نتیجه کاهش حق بیمه‌های ریسک خواهد شد .

اگر مؤسسات بیمه نتوانند در مقابل تعهدات خود جوابگو باشند اصل اعتماد و داشتن حداعلای حسن نیت و تأمین و قولی که بیمه‌گر به بیمه‌گذار خود می‌دهد و قرارداد بیمه بر آن استوار است خدشه - دار می‌گردد . بنابراین وظیفه اصلی و مهم مدیریت این است که با ارزیابی درست و منطقی و برنامه‌ریزی متناسب مؤسسه خود را بطور حرفه‌ای اداره نماید . مؤسسات بیمه را نمیتوان و نباید بدست افراد کم‌تجربه سپرد . برای اداره یک شرکت بیمه به پرسنل تحصیل کرده ، کارآزموده و باتجربه نیاز است در رأس سازمان باید یک تیم مدیریت حرفه‌ای باتجربه قرار گیرد . فلسفه بکارگیری چنین تشکیلات و سازمان ایجاد امنیت حرفه‌ای برای شرکت و بیمه‌گذاران است و مطمئناً " نه تنها استفاده از کارکنان باتجربه و تحصیلکرده هزینه‌های شرکت را بالا نمی‌برد بلکه برعکس موجب افزایش سوددهی فعالیت بیمه‌گری و رضایت خاطر بیمه‌گذاران را فراهم می‌سازد .

برای رسیدن به اهداف شرکت لازم است روشها و تکنیکهای مدرن بکار گرفته شود . وظیفه مدیریت در رأس سازمان ایجاد هماهنگیهای لازم در دوزمین عمده فعالیت یعنی عملیات فنی و سرمایه‌گذاری است بنظر نمی‌رسد تعداد شرکتهایی که توانسته باشند پیشرفت قابل قبولی در این زمینه داشته باشند چندان

خود ارائه نماید مسلماً" از اعتماد و اعتبار زیادی نیز برخوردار خواهد شد و در نهایت پرتفوی بیشتری را نصیب خود خواهد کرد .

صدور بیمه‌نامه‌ای توسط یک شرکت بیمه قوی و صاحب‌نام باعث تقویت سرمایه بیمه‌گذار می‌شود و در این رابطه شرکت بیمه شریک نامرئی هر کارخانه ، هر مؤسسه ، و هر نوع اموال بیمه شده‌ای است که با ارائه تأمین و پوشش بیمه‌ای به آنها قدرت عمل و فعالیت و امنیت شغلی می‌دهد . این امر موقعیتی ممتاز برای شرکت بیمه به وجود می‌آورد و در مقابل مسئولیت زیادی را بدنبال دارد .

جایگاه صنعت بیمه در فعالیتهای اقتصادی

مؤسسات بیمه نقش بسیار مهمی در فعالیتهای جامعه دارند که شاید بسادگی قابل تشخیص نباشد . این وظیفه صنعت بیمه است که توان و قدرت خود را بعنوان مؤسسه مالی در تقویت بنیه اقتصادی جامعه نشان دهد و ثابت کند که انعکاس موفقیت و قدرت مالی آن در پیشرفتهای اقتصادی ملی نمایان میشود . بانکها در این زمینه موفق بوده‌اند و توانسته‌اند جایگاه خود و نقشی را که در اقتصاد ملی ایفا می‌نمایند معرفی کنند ولی صنعت بیمه هنوز نتوانسته‌اند آنطور که باید و شاید در این امر موفق باشد و به تلاش بیشتری نیاز است تا به این هدف نایل آید .

وظیفه دست‌اندرکاران صنعت بیمه است که خود جایگاه، حرفه، توان و نقش آن را در اقتصاد دریابند و سپس این صنعت را برای نسل جوان چنان جذاب کنند که بتوانند جوانان تحصیل‌کرده و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها را برای کار در این حرفه تشویق نمایند . وقتی اینکار انجام شد و جامعه بخصوص نسل جوان از بیگانگی با بیمه بیرون آمدند امکانات بالقوه شناخته شده و امکان دارد با طرحها و برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت رشد و شکوفایی صنعت بیمه شروع شود و حاصل تمام تلاشها در نهایت هم نصیب خود مؤسسات

بیمه و هم نصیب جامعه گردد .

موفقیت در فعالیتهای اقتصادی و تقویت قدرت مالی شرکتهای بیمه در نهایت موجب افزایش ظرفیت شرکتهای بیمه در قبول ریسک بیشتر و ریسکهای بزرگ خواهد شد . راههای متعددی برای تقویت بنیه مالی مؤسسات بیمه وجود دارد که به بخشی از آن اشاره شد و راه دیگر آن تشکیل شرکتهای وابسته اقتصادی و بعضاً " شرکتهای اتکائی با مشارکت خود شرکتهای است که علاوه بر ایجاد منابع مالی جدید موجب افزایش قدرت نگهداری شرکتهای می‌شود . و حتی ممکن است ارز مورد نیاز برای عملیات اتکائی خارجی آنها را نیز تأمین نماید .

بیمه اتکائی بعنوان ابزار مالی برای مدیریت

یکی از اصول موفقیت مؤسسات بیمه ثبات و تداوم فعالیت آنهاست و برای حفظ دوام و ثبات ، داشتن قسمت بیمه‌های اتکائی با پرسنل و مدیریت باتجربه ، تحصیل‌کرده و کارآزموده ضروری است . مدیریت اتکائی شرکت بیمه باید با توجه به شناخت از طبیعت پرتفوی شرکت ، طرح و برنامه‌ریزی تهیه کرده و متناسب با آن میزان نگهداری شرکت را معین و پوششهای اتکائی کاملی را بخصوص در مقابل خطرات فاجعه آمیز تهیه ببیند .

کارکنان قسمت مدیریت اتکائی باید از عالیتترین سطوح پرسنلی انتخاب شوند زیرا این قسمت برای مؤسسات بیمه از حیاتی‌ترین و حساسترین قسمتها محسوب شده و مدیریت سطح بالای سازمان باید در جریان کلیه تصمیمات و برنامه‌ریزیها قرار گرفته بطور مداوم بر عملیات آن نظارت و کنترل داشته باشد . بیمه‌گران اتکائی مجبورند بدنبال کارهای سودآور باشند و گرنه قادر نخواهند بود که به فعالیت خود ادامه دهند و بدون آنکه سودی از نتیجه عملیات خود بدست آورند . بطور مرتب خسارت را بپردازند . اما جستجوی سودآوری نقش آنها را در ایجاد تعادل

وخمی را بدنبال دارد. وجود پوشش اتکائی کمک می‌نماید که واگذارنده ظرفیت پذیرش ریسک خود را از افزایش دهد و ریسک‌هایی را قبول کند که اگر پوشش اتکائی نداشت قادر به قبول و نگهداری آنها نبود.

بیمه‌گران اتکائی درحقیقت با ارائه پوشش اتکائی به شرکت‌های واگذارنده تمام امکانات، ذخایر و منابع مالی خود را برای حمایت از پرتفوی واگذارنده تجهیز می‌کنند، با این مکانیزم و فعالیت می‌توان گفت بیمه‌گر اتکائی اعتبار و قدرت مالی بیشتری به واگذارنده می‌دهد و سرمایه او در جهت تقویت قدرت مالی واگذارنده بکار می‌رود و می‌توان گفت که بدینوسیله ظرفیت اضافی پذیرش ریسک به شرکت بیمه واگذارنده تفویض می‌گردد. که نتیجه آن افزایش میزان حق بیمه و ذخایر و توسعه فعالیت اوست.

افزایش غیر معقول ظرفیت اتکائی بازارهای جهانی
مسئله جدیدی که در سالهای اخیر برای صنعت بیمه در بازارهای اتکائی پیدا شده افزایش بی‌رویه و غیر منطقی ظرفیت اتکائی بازارهای جهانی است. تعداد شرکت‌های بیمه اتکائی بطور چشمگیری افزایش یافته و میزان بازدهی و سود سرمایه‌گذاران شرکت‌های اتکائی کاهش عمده‌ای را نشان می‌دهد و این کاهش ظرفیت برای شرکت‌های مستقیم بیمه‌ای نیز بچشم می‌خورد براساس آمار و اطلاعات موجود میزان رشد بیمه‌های اموال در سال ۱۹۷۸ بمیزان ۲۵/۶ درصد بوده و برای سال ۱۹۷۹ به ۱۹/۹ درصد و در سال ۱۹۸۰ به ۲۲/۹ درصد بوده که بدنبال آن به ۵/۲ درصد برای سال ۱۹۸۱ و به ۱۱/۹ درصد در سال ۱۹۸۲ کاهش یافته. در مقابل آن درآمد متوسط سه ساله صنعت بیمه جهانی که در سال ۱۹۸۰، ۲۵ درصد بوده برای سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ به بیش از نصف تقلیل یافته.

براساس یک اصل اقتصادی درجائی که نرخ بازدهی

عملیات شرکت‌های بیمه از بین نمی‌برد زیرا بیمه‌گران اتکائی پشت سر شرکت‌های واگذارنده قرار گرفته و موجب تقویت بنیه مالی آنها در ایفای تعهدات خود هستند. وجود بیمه‌گران اتکائی است که صنعت بیمه در هر کشور میتواند ثبات بازار را حفظ کرده و اعتماد عمومی جامعه را بطرف خود جلب نماید. بیمه‌گر اتکائی و بیمه‌گرواگذارنده براساس اصل معروف *Follow the Fortune* سرنوشت مالی یکدیگر را دنبال می‌نمایند و منافع هر دو طرف نه تنها در جهت مخالف نبوده بلکه در یک راستا قرار دارد نتیجه فعالیت فنی هر دو طرف از یک منبع ناشی می‌گردد در صورت زیان پرتفوی بیمه‌ای، هر دو طرف زیان می‌بینند و در صورت سود هر دو منتفع خواهند شد.

ایجاد ظرفیت اضافی

ظرفیت شرکت‌های بیمه در قبول ریسک چیزی نیست که از نظر کمی دارای تعریف دقیقی باشد ولی بهر حال بستگی به حجم تعهدات شرکت بیمه در مقابل دارندگان بیمه‌نامه‌ها و قدرت و توان شرکت بیمه در مقابل تقاضا برای اخذ پوشش‌های بیمه‌ای دارد. از یک دید می‌توان آنرا یک ضریب مالی قلمداد کرد یعنی اینکه مبلغ معینی حق بیمه در مقابل رقم مشخصی از سرمایه و ذخایر و امکانات کسب درآمد از منابع دیگر باید باشد که سابقاً "این ضریب را ۲ در مقابل یک در نظر می‌گرفتند.

در سالهای اخیر این ضریب با توجه به درآمد شرکت‌های بیمه از محل سرمایه‌گذاری افزایش یافته که به آن ظرفیت صدور ناشی از جریان نقدینگی اطلاق می‌گردد. البته شرکت‌های بیمه برای کسب حجم زیادتر حق بیمه و سرمایه‌گذاری برای درآمد بیشتر دیگر مثل گذشته ارزیابی دقیق فنی از ریسکها بعمل نمی‌آورند و نرخ‌هایی را که معمولاً "اعمال می‌نمایند نرخهای دقیق متناسب با ریسک نیست و گاهی اوقات این عدم دقت در ارزیابی صحیح فنی ریسک عواقب مالی

و سود سرمایه بالا باشد سرمایه‌گذاری در آن رشته و صنعت دارای جذابیت بوده و سرمایه‌های جدید را به طرف خود جذب می‌نماید و عکس این عمل نیز صادق است. رشته‌ای که سرمایه‌گذاری در آن دارای نرخ سود معقول و مطلوبی نباشد نه تنها سرمایه‌گذاری جدید را جذب نمی‌کند بلکه زمینه فرار سرمایه‌های موجود را نیز فراهم می‌نماید صنعت بیمه در سالهای مورد مطالعه دارای چنین وضعیتی بوده است افزایش نرخ سود ناشی از سرمایه‌گذاری در صنعت بیمه در اواخر سال ۱۹۷۹ متأثر از عواملی بوده که در زیر به پاره‌ای از آنها اشاره می‌گردد.

– افزایش ارزش سهام در بازار بورس

– نتیجه مثبت عملیات فنی شرکتها که جریان نقدینگی اضافی را برای صنعت بیمه جهت استفاده در منابع سرمایه‌گذاریهای جدید فراهم آورد.

– عدم خسارتهای طبیعی فاجعه‌آمیز شدید مثل سیل و زلزله و طوفان که نتیجه فعالیت شرکتها را منفی نماید.

جریان نقدینگی در صنعت بیمه

هر یک از انواع رشته‌های بیمه سیستم مالی و جریان نقدینگی خاصی را می‌طلبد. در رشته بیمه‌های اشخاص نحوه پرداخت خسارات یا رشته بیمه‌های بازرگانی تفاوت عمده دارد و در بیمه خسارتهای بزرگ و فاجعه‌آمیز مثل زلزله و طوفان و سیل و آتش‌سوزی‌های مهیب از آنجائیکه وقوع این نوع حوادث بندرت اتفاق می‌افتد و تواتر آن از خسارتهای معمولی کمتر است مهارت و دقت و طرح‌های خاصی را لازم دارد و جوایگویی خیلی سریع و پرداخت بموقع خسارات در این رشته بسیار مهم است. واضح و روشن است که نحوه سرمایه‌گذاری در صنعت بیمه باید بطور کامل با طبیعت و خصلت پرتفوی بیمه‌ای شرکت هماهنگی داشته و مدیریت هر دو قسمت شرکت اعم از مدیریت سرمایه‌گذاری و مدیریت فنی باید از نحوه فعالیت همدیگر آگاه

بوده و برنامه‌ریزی آنها باید با توجه به نیازمندیهای هر دو قسمت تهیه و اجرا شود.

برنامه‌های اتکائی شرکت رل بسیار مهمی را در این زمینه بازی میکند که باید در برنامه‌ریزی‌های سرمایه‌گذاری مورد توجه خاص قرار گیرد شرکت نباید با استناد به این مطلب که بیمه‌گر یا بیمه‌گران اتکائی قدرت و توان لازم مالی را ندارند که بموقع به تعهدات خود عمل نمایند پرداخت خسارات بیمه‌گذاران را به تعویق انداخته و یا از پرداخت آنها سرباززند زیرا او مستقیماً "در مقابل بیمه‌گذاران مسئول بوده و باید خسارات آنها را بموقع تسویه و پرداخت نماید برای اینکه قرارداد بیمه اتکائی یک قرارداد جداگانه‌ای محسوب می‌گردد که بین بیمه‌گرواگذارنده و بیمه‌گر اتکائی منعقد شده و از نظر حقوقی هیچ ارتباطی با قرارداد بیمه که بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار منعقد میشود ندارد و در این ارتباط هرگونه تأخیر در پرداخت تعهد مالی شرکت را بطور چشمگیری افزایش داده و در ارائه سرویس مناسب به بیمه‌گذاران نارسانی بوجود می‌آورد.

عدم برنامه‌ریزی مناسب و هماهنگ بطور مسلم توازن و تعادل پرتفوی سرمایه‌گذاری را بهم زده و باعث ازدیاد هزینه‌های مالی سرمایه‌گذاری می‌گردد. مکانیزم فعالیت‌های شرکت باید بطور صحیح برنامه‌ریزی شده و روند آن بطور مرتب مورد بررسی و آزمایش مدیریت قرار گیرد.

بیمه‌گذاران خسارت‌دیده نمی‌توانند و نباید همچنان منتظر پرداخت خسارات خود از طرف شرکت باشند زیرا اگر قرار باشد شرکت تعهدات خود را با تأخیر انجام دهد بیمه‌گذار حق خواهد داشت که علاوه بر مطالبه خسارت واقعی خود زیان ناشی از تأخیر در پرداخت آنرا نیز مطالبه نماید و بیمه‌گر هم باید بدان تن دردهد.

امروزه در صنعت بیمه بعضی کشورها دلیل فقدان کارشناسان ورزیده در ارزیابی مناسب ریسک مورد

بازرگانی دو عامل عمده وجود دارند که باید با هم در نظر گرفته شوند یکی سود سرمایه معقول منطقی برای سهامداران شرکت و دیگری تولید کالا و خدمات متناسب با تقاضای بازار و باید که هر دو طرف یعنی سرمایه‌گذاران واحد اقتصادی و مشتریان او از این فعالیت راضی باشند .

در صنعت بیمه اهمیت این عمل و مطلوبیت فعالیت شرکت بیمه برای هر دو گروه بیشتر از سایر رشته‌هاست . مدیر یک مؤسسه بیمه باید ارتباط صحیح و معقولی را در عملیات خود مد نظر قرار دهد بطوریکه سهامداران شرکت بتوانند سود متناسبی از عملیات شرکت دریافت دارند که به ادامه سرمایه‌گذاری رغبت پیدا کنند و در مقابل گروه مشتریان و دارندگان بیمه‌نامه مؤسسه فوق الذکر نیز از خدمات و تأمین بیمه‌ای که از شرکت بیمه دریافت میدارند رضایت کامل داشته باشند بنابراین مدیران مؤسسات بیمه وظیفه حساس و پیچیده‌ای دارند که باید نقش خود را در اداره شرکت آنچنان هماهنگ نمایند که فعالیت و ادامه کار مؤسسه مطلوب هر دو گروه ذینفع در عملیات شرکت باشد .

رسیدن به هدف فوق الذکر دشوار بوده ولی غیر ممکن نیست . لذا چنین استنباط میگردد که اداره امور شرکتهای بیمه باید در دست مدیران مبرز و کاردان و مطلع از روش و تکنیکهای مدرن مدیریت قابل اجرا در صنعت بیمه باشد ایجاد توازن و تعادل در روند حرکت و فعالیت شرکت از وظایف اصلی مدیریت مؤسسات بیمه است گرایش به هر گروه که در تضاد منافع گروه دیگر باشد ادامه فعالیت شرکت را به مخاطره انداخته و در درازمدت نگهداری و حفظ یک پرتفوی بیمه‌ای سالم را دشوار خواهد نمود بکارگیری ابزارهای صحیح مدیریت و استفاده از متخصصین و کارشناسان واجد شرایط و بکارگیری پرسنل واجد شرایط در جاهای صحیح و مناسب با توجه به وظایف محوله خود باعث ثبات و اعتبار مؤسسه بوده

بیمه و همچنین وجود مشکلات متعدد در نحوه صدور و ارائه پوشش صحیح و بالاخره ارزیابی و تقویم صحیح موارد خسارت دیده توانائی و قدرت مؤسسات بیمه را در پرداخت سریع و بموقع خسارات کاهش داده که نتیجه آن افزایش هزینه‌های عمومی شرکت و پرداخت خسارات با مبالغ به مراتب بیشتر است .

مسئولیت بزرگتر مدیریت در صنعت بیمه

بهترین و مناسبترین شیوه جهت بکارگیری سرمایه در صنعت بیمه سرمایه‌گذاری بطریق صحیح و درست است و در این راستا موارد زیر باید مورد توجه قرار گیرد .
- حفظ و نگهداری ارزش پرتفوی اوراق بهادار و سهام .
- نگهداری حجم بیشتری بعنوان پرتفوی اوراق بهادار در مقطع زمانی که نرخ بهره در حال افزایش است بطور مطلق اثر منفی بر روی ظرفیت فعالیت شرکت خواهد داشت .

- نحوه اداره نقدینگی شرکت : سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی که دارای باین‌ترین بازدهی سرمایه‌گذاری برای شرکت هستند باید در باین‌ترین سطح نگهداری شوند .
- میزان نقدینگی لازم جهت ادامه فعالیت فنی در جریان مؤسسات بیمه مسئولین مالی را وادار می‌نماید که در مورد سرمایه‌گذاری بدون در نظر گرفتن سود حاصل از سرمایه‌گذاری به سرعت تبدیل به نقد شدن آن بیندیشند زیرا خسارات قابل پرداخت باید اول از نقدینگی جاری شرکت پرداخت شده و در صورت عدم تکافو از آن قسمت از پرتفوی سرمایه‌گذاری که قابلیت نقد شدن سریع دارد استفاده گردد .
- موارد فوق الذکر و سایر موارد دیگری که برای جلوگیری از طولانی شدن مقاله از ذکر آنها خودداری میشود موجب پیچیده‌تر شدن نحوه مدیریت مؤسسات بیمه بالاخص در امر سرمایه‌گذاری است .

سهامداران و بیمه‌گذاران شرکت

در هر رشته فعالیت اقتصادی اعم از صنعتی و

و در مجموع سلامت فعالیت در صنعت بیمه را تضمین می‌نماید.

مؤسسات و مقامات نظارتی در اکثر کشورهای دنیا جهت نیل به اهداف تعیین شده صنعت بیمه و حمایت از منافع هر دو گروه ذینفع بخصوص بیمه-گذاران مقررات و قوانینی را برای هدایت صنعت بیمه در مسیر صحیح وضع می‌نمایند در این زمینه میتوان از مقررات مربوط نحوه تهیه تعرفه‌های نرخ و اجبار مؤسسات بیمه به رعایت آنها و جلوگیری از نرخ شکنی و رقابت‌های ناسالم و همچنین نحوه و چگونگی سرمایه-گذاری سرمایه و ذخایر شرکتهای بیمه نام برد.

مسئولین نظارتی برای اندازه‌گیری مطلوبیت فعالیت شرکتهای ابزارهای اندازه‌گیری خاصی را بکار می‌برند که اطمینان حاصل نمایند که مدیریت شرکت چگونه مسیر فعالیت خود را در جهت حفظ منافع طرفین ذینفع ادامه میدهد و در این راستا مسلمانان شرکتی موفق میباشد که به سهامداران خود اطمینان از سود سرمایه‌گذاری مناسب و بیمه‌گذاران و خریداران بیمه تأمین و پوشش بیمه‌ای مورد نیاز او را ارائه نموده و در صورت تحقق خطر مورد بیمه در اسرع وقت ممکن به وظایف خود عمل نماید. موفقیت یک مدیر در

صنعت بیمه وقتی مشخص میگردد که با استفاده از ابزارهای مختلف ارزیابی مطلوبیت ارائه خدمات شرکت از جنبه‌های مختلف سلامت فعالیت بیمه‌ای او حاصل شده و تعادل بین منافع حاصله از طرف گروههای ذینفع در عملیات شرکت برقرار باشد.

علاوه بر عوامل فوق الذکر که باید مدیریت شرکت بیمه از آنها آگاه بوده و بدانها عمل نماید عوامل دیگری بشرح زیر نیز وجود دارند که نتیجه عملکرد شرکت را تحت تأثیر قرار میدهند.

- میزان نقدینگی و نحوه جریان آن در طول دوره فعالیت

- اثرات تورم از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی

- روند پیشرفت سهم شرکت از بازار داخلی

- جایگاه و موقعیت شرکت در بازار برای استفاده از پتانسیل و امکانات موجود

- کفایت ذخایر خسارات برای اجرای تعهدات شرکت

- نتیجه عملیات فنی شرکت

- ضریب خسارت

- نتیجه فعالیت سرمایه‌گذاری شرکت در مقایسه با نتیجه عملیات فنی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی